

توسعه فردی و تحول سازمانی

نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان کارآفرین روستایی

روح اله رجائی^۱، شهره تاج^۲، سیمین ارمان^۳

شیوه استناددهی: رجائی، روح‌اله، تاج، شهره، و ارمان،

سیمین. (۱۴۰۴). نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در

توانمندسازی زنان کارآفرین روستایی. توسعه فردی و تحول

سازمانی، ۳(۴)، ۱۳-۱.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: shorehtaj36@gmail.com

چکیده

تاریخ چاپ: ۲۶ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۶ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۱۸ خرداد ۱۴۰۴

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان کارآفرین روستایی در شهرستان بهار استان همدان انجام شده است. روش تحقیق پیمایشی-تحلیلی بوده و جامعه آماری شامل ۳۶۰ زن عضو ۱۲ صندوق اعتبارات خرد روستایی در این شهرستان است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر (۲۰۰ عضو و ۲۰۰ غیر عضو) تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با آلفای کرونباخ سنجیده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری T، ANOVA و ضرایب همبستگی استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد زنان عضو صندوق‌ها توانمندی اقتصادی ($t=4/435, p<0/001$) و روان‌شناختی ($t=2/170, p<0/05$) بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند، اما در توانمندی اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نشد ($t=1/093, p=0/275$). همچنین، رابطه مثبت و معناداری بین مدت عضویت در صندوق ($r=0/204, p<0/05$) و مبلغ وام دریافتی ($r=0/277, p<0/01$) با توانمندی زنان مشاهده شد. زنان دارای پس‌انداز شخصی نیز توانمندی بالاتری نشان دادند ($t=6/381, p<0/001$). نتایج حاکی از تأثیر مثبت صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی و روان‌شناختی زنان کارآفرین روستایی است. پیشنهاد می‌شود برای افزایش اثربخشی این صندوق‌ها، اقداماتی مانند افزایش سقف وام‌ها، ارائه خدمات مالی متنوع، آموزش مهارت‌های کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار و برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی روان‌شناختی انجام شود. همچنین، توجه بیشتر به توانمندسازی اجتماعی زنان از طریق تشویق مشارکت اجتماعی و آموزش حقوق شهروندی ضروری است.

کلیدواژگان: صندوق اعتبارات خرد، توانمندسازی زنان، کارآفرینی روستایی، توسعه روستایی، شهرستان بهار

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

The Role of Microcredit Funds in Empowering Rural Women Entrepreneurs

Rohollah Rajaei¹, Shohre Taj^{2*}, Simin Armaghan³

1. PhD Student of Geography and Rural Planning, Department of Geography, Faculty of Humanities, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Geography and Rural Planning, YI.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: shorehtaj36@gmail.com

How to cite: Rajaei, R., Taj, S., & Armaghan, S. (2025). The Role of Microcredit Funds in Empowering Rural Women Entrepreneurs. *Personal Development and Organizational Transformation*, 3(4), 1-13.

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the role of microcredit funds in empowering rural women entrepreneurs in Bahar County, Hamadan Province. The research method was survey–analytical, and the statistical population consisted of 360 women who were members of 12 rural microcredit funds in this county. The sample size was determined as 400 individuals (200 members and 200 non-members) using Cochran's formula. The data collection instrument was a questionnaire, the validity of which was confirmed by experts, and its reliability was measured using Cronbach's alpha. For data analysis, statistical tests including T-test, ANOVA, and correlation coefficients were applied. The findings indicated that women who were members of the funds demonstrated higher economic empowerment ($t = 4.435$, $p < .001$) and psychological empowerment ($t = 2.170$, $p < .05$) compared to non-member women. However, no significant difference was observed in social empowerment ($t = 1.093$, $p = .275$). In addition, a positive and significant relationship was found between the duration of membership in the fund ($r = .204$, $p < .05$) and the amount of loans received ($r = .277$, $p < .01$) with women's empowerment. Women with personal savings also showed higher levels of empowerment ($t = 6.381$, $p < .001$). The results reveal the positive impact of microcredit funds on the economic and psychological empowerment of rural women entrepreneurs. It is suggested that to increase the effectiveness of these funds, measures such as raising loan ceilings, providing diverse financial services, offering entrepreneurship and business management training, and organizing psychological empowerment workshops should be implemented. Furthermore, greater attention should be given to women's social empowerment through encouraging social participation and promoting education on citizenship rights.

Keywords: *microcredit fund, women's empowerment, rural entrepreneurship, rural development, Bahar County*

Submit Date: 08 June 2025

Revise Date: 23 August 2025

Accept Date: 28 August 2025

Publish Date: 16 January 2026



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

توانمندسازی زنان در دهه‌های اخیر به یکی از محوری‌ترین موضوعات توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح جهانی تبدیل شده است. زنان به‌ویژه در جوامع روستایی به‌عنوان نیروی نهفته و اغلب کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته شناخته می‌شوند که می‌توانند سهم بسزایی در ارتقای رفاه خانوار، رشد اقتصادی و پایداری اجتماعی داشته باشند. در بسیاری از کشورها، زنان روستایی با چالش‌هایی چون محدودیت در دسترسی به منابع مالی، کمبود فرصت‌های شغلی، و فقدان آموزش‌های تخصصی مواجه‌اند و این موانع، ظرفیت آنان را برای مشارکت فعال در فرآیند توسعه محدود می‌سازد (Kord & Abtin, 2013). همین امر سبب شده که توانمندسازی زنان نه تنها به‌عنوان یک هدف انسانی و عدالت‌محور، بلکه به‌عنوان ابزاری کلیدی برای تحقق توسعه پایدار مطرح شود (Yatiningrum, 2024).

توانمندسازی اقتصادی زنان به معنای دسترسی آنان به منابع مالی، فرصت‌های درآمدزایی و قابلیت تصمیم‌گیری در مورد نحوه تخصیص منابع است که به شکل مستقیمی بر رفاه خانوار و رشد اجتماعی اثر می‌گذارد. کارآفرینی زنان، به‌ویژه در نواحی روستایی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردها برای ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان شناخته می‌شود (Kumar et al., 2013). اما واقعیت این است که بسیاری از زنان کارآفرین در مناطق روستایی با محدودیت‌های ساختاری مواجه هستند که امکان تحقق ایده‌های اقتصادی‌شان را تضعیف می‌کند (Lin et al., 2019). در چنین بستری، صندوق‌های اعتبارات خرد به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم و اثربخش برای حمایت از زنان روستایی مطرح شده‌اند (Faqiri et al., 2016).

صندوق‌های اعتبارات خرد با ارائه وام‌های کوچک و کم‌بهره، به زنان کمک می‌کنند تا کسب‌وکارهای خرد خود را راه‌اندازی کرده یا توسعه دهند و از این طریق به استقلال مالی و اعتمادبه‌نفس بیشتری دست یابند (Mozaffari & Ziaei, 2017). مطالعات نشان داده‌اند که چنین صندوق‌هایی علاوه بر بهبود وضعیت اقتصادی زنان، آثار مثبت روان‌شناختی و اجتماعی نیز به همراه دارند و در ارتقای سرمایه اجتماعی و اعتماد گروهی در جوامع روستایی مؤثر هستند (Faghiri et al., 2017). تجربه کشورهای مختلف نیز بر همین یافته صحه گذاشته است. برای مثال، در مالزی اجرای طرح‌های اعتبارات خرد موجب ارتقای رفاه خانوار و افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده شد (Al-Shami et al., 2017). در چین نیز پژوهش‌ها نشان دادند که اعتبارات خرد نقشی اساسی در کاهش فقر و افزایش رفاه خانوار روستایی دارند (Ding et al., 2024; Lin et al., 2019).

توانمندسازی تنها به بُعد اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی را نیز در بر می‌گیرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد در مقایسه با زنان غیرعضو، از سطح بالاتری از اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی برخوردارند (Faqiri et al., 2016; Namjuyan Shirazi et al., 2014). در ایران نیز مطالعات متعددی تأکید کرده‌اند که صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته‌اند به توسعه اشتغال پایدار، افزایش درآمد و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی خانواده‌ها کمک کنند (Babaei Amin et al., 2020; Ghasemi & Yar Ahmadi, 2020).

در کنار این دستاوردها، نقش عوامل نهادی، آموزشی و اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. صندوق‌های اعتبارات خرد زمانی می‌توانند بیشترین اثربخشی را داشته باشند که همراه با برنامه‌های آموزشی در حوزه مهارت‌های کسب‌وکار، مدیریت مالی و توسعه فردی باشند (Nozai & Saadi, 2014). از همین رو، برخی پژوهش‌ها بر ضرورت ترکیب مداخلات مالی با برنامه‌های آموزش کارآفرینی تأکید دارند تا زنان بتوانند علاوه بر دسترسی به منابع مالی، از توانایی لازم برای مدیریت صحیح منابع و توسعه پایدار برخوردار شوند (Farzizadeh, 2014).

با این حال، مطالعات مختلف نشان داده‌اند که تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد در همه ابعاد توانمندسازی یکسان نیست. برخی تحقیقات نشان داده‌اند که این صندوق‌ها بیش از همه در ارتقای توانمندی اقتصادی و روان‌شناختی موفق بوده‌اند، در حالی که آثار آن‌ها در حوزه توانمندسازی اجتماعی محدودتر بوده است (Mozafari & Ziaei, 2016; Zeer et al., 2023). این امر می‌تواند به دلیل ساختار فرهنگی و اجتماعی جوامع روستایی باشد که مشارکت اجتماعی زنان را همچنان با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌کند (Nourai & Saadi, 2013).

در سطح نظری نیز پژوهش‌های متعددی مفهوم توانمندسازی را در ارتباط با عوامل سازمانی و مدیریتی بررسی کرده‌اند. برای مثال، توانمندسازی در محیط‌های سازمانی به‌عنوان عاملی کلیدی برای بهبود تعهد سازمانی (Ghaffarian et al., 2024)، نوآوری دوگانه (Berraies et al., 2024)، و رضایت شغلی (Shah, 2024) شناخته شده است. همچنین، نقش توانمندسازی در ایجاد انعطاف‌پذیری منابع انسانی در شرکت‌های فناوری اطلاعات (Tretiakov et al., 2023) و افزایش مشارکت کارکنان (Sinan et al., 2024; Zeer et al., 2023) مورد تأیید قرار گرفته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی، چه در سطح فردی و چه در سطح سازمانی، عنصری بنیادی برای ارتقای عملکرد و پایداری توسعه به شمار می‌رود (Vibhuti et al., 2024). بنابراین، بررسی توانمندسازی زنان کارآفرین در جوامع روستایی نیز می‌تواند از همین منظر مورد تحلیل قرار گیرد و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی آن به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار گیرد.

از سوی دیگر، تحولات دیجیتال و تغییرات محیطی جدید نیز مفهوم توانمندسازی را دستخوش تغییر کرده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانمندسازی دیجیتال می‌تواند واسطه‌ای برای ارتقای عملکرد شغلی و افزایش قابلیت‌های فردی در محیط‌های نوین باشد (Abdul et al., 2024; Shedid*, 2024). هرچند زمینه این مطالعات بیشتر سازمانی است، اما یافته‌های آن‌ها می‌تواند به حوزه کارآفرینی روستایی نیز تعمیم یابد. زیرا دسترسی زنان روستایی به فناوری‌های نوین و آموزش‌های مرتبط می‌تواند مکملی برای اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد باشد و امکان توسعه پایدار را بیش‌ازپیش فراهم سازد (Yatiningrum, 2024).

پژوهش‌های داخلی نیز در این زمینه غنی هستند. برای مثال، نتایج بررسی‌ها در استان لرستان نشان داد که صندوق‌های اعتبارات خرد نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی زنان و ایجاد فرصت‌های کارآفرینی دارند (Babaei Amin et al., 2019). در استان کرمانشاه نیز نتایج مشابهی به دست آمد و مشخص شد که این صندوق‌ها توانسته‌اند علاوه بر ایجاد شغل، اعتمادبه‌نفس و جایگاه اجتماعی زنان را نیز ارتقا دهند (Faghiry et al., 2017; Faqiri et al., 2016). همچنین، مطالعاتی در همدان و سایر استان‌ها نشان دادند که سرمایه‌گذاری در صندوق‌های اعتبارات خرد سبب رشد مهارت‌های مدیریتی، افزایش مشارکت اجتماعی و تقویت انسجام خانوادگی زنان عضو شده است (Mahdizadeh Rostam et al., 2024; Tariqi & Haghighi, 2023).

با وجود این، بخشی از پژوهش‌ها بر کاستی‌ها و چالش‌های موجود نیز تأکید کرده‌اند. از جمله مشکلات مطرح‌شده می‌توان به ناکافی بودن سقف وام‌ها، نبود برنامه‌های حمایتی پس از اعطای تسهیلات، و کمبود آموزش‌های کاربردی اشاره کرد (Namjuyan Shirazi et al., 2014). در برخی موارد نیز تأثیرات صندوق‌ها بر توانمندسازی اجتماعی کمتر از سطح انتظار بوده است (Mozafari & Ziaei, 2016). از این‌رو، نیاز به بازنگری در سیاست‌ها و طراحی برنامه‌های جامع‌تر برای تقویت همه ابعاد توانمندسازی زنان به‌ویژه در حوزه اجتماعی احساس می‌شود.

از منظر سیاست‌گذاری کلان، صندوق‌های اعتبارات خرد می‌توانند به‌عنوان یکی از ابزارهای عملیاتی برای تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار روستایی مورد استفاده قرار گیرند. این صندوق‌ها علاوه بر تقویت اقتصاد خانوار، می‌توانند نقش مهمی در ارتقای مشارکت اجتماعی و بهبود وضعیت سلامت روانی زنان داشته باشند (Berraies et al., 2024; Shah, 2024). با این حال، موفقیت این صندوق‌ها نیازمند نظارت مستمر، افزایش تنوع خدمات مالی و طراحی برنامه‌های حمایتی مکمل است (Tariqi & Haghighi, 2023). بر این اساس، شکاف پژوهشی مهمی در خصوص ارزیابی همه‌جانبه اثر صندوق‌های اعتبارات خرد بر ابعاد مختلف توانمندسازی زنان روستایی وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین تنها به یک یا دو بُعد توانمندسازی پرداخته‌اند، در حالی که تحلیل جامع می‌تواند تصویر روشن‌تری از نقاط قوت و ضعف این صندوق‌ها ارائه دهد (Zeer et al., 2023). همچنین، کمتر مطالعه‌ای به بررسی هم‌زمان تأثیر عوامل فردی مانند پس‌انداز شخصی، مدت عضویت در صندوق، یا میزان وام دریافتی بر توانمندسازی پرداخته است (Ding et al., 2024). بنابراین، هدف این پژوهش آن است که با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر داده‌های میدانی، میزان تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی توانمندسازی زنان کارآفرین روستایی را ارزیابی کرده و راهکارهایی برای افزایش اثربخشی آن‌ها در جهت توسعه پایدار روستایی ارائه نماید.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر روش، پیمایشی-تحلیلی، از لحاظ هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد در شهرستان بهار استان همدان تشکیل می‌دهند. در این شهرستان ۱۲ صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی با مجموع ۳۶۰ عضو وجود دارد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه شد که شامل ۲۰۰ نفر عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی و ۲۰۰ نفر غیر عضو بود. روش نمونه‌گیری از نوع انتساب متناسب انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که به روش پیمایشی و مصاحبه تکمیل گردید. روایی پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان مربوطه تأیید شد. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ سنجیده شد که برای متغیرهای اصلی (توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روانی) به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۳ و ۰/۶۴ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری ANOVA، T، ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و تکنیک طبقه‌بندی ISDM استفاده شد. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS16.0 و Excel انجام گرفت.

متغیرهای اصلی پژوهش شامل توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی بودند که در سطح ترتیبی سنجیده شدند. جدول زیر جزئیات بیشتری در مورد این متغیرها ارائه می‌دهد:

جدول ۱. متغیرهای اصلی پژوهش

سازه‌های مربوط به سنجش توانمندی	تعداد متغیرهای سازه	سطح سنجش
توانمندی اقتصادی	۸	ترتیبی
توانمندی اجتماعی	۶	ترتیبی
توانمندی روان‌شناختی	۶	ترتیبی

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ مناسب به فرضیات پژوهشی زیر می‌باشد:

زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد توانمندی اقتصادی بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند.

زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد توانمندی اجتماعی بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند.

زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد توانمندی روان‌شناختی بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند.

یافته‌ها

برای بررسی رابطه بین عوامل فردی و توانمندی زنان روستایی از ضرایب همبستگی استفاده شد. نتایج نشان داد که در چهار مورد، روابط معنی‌دار وجود دارد:

میزان استفاده از رادیو و توانمندی زنان روستایی: ارتباط مثبت و معنی‌داری مشاهده شد ($r=0/146, p<0/01$). این یافته نشان می‌دهد که استفاده بیشتر از رادیو با توانمندی بالاتر زنان روستایی همراه است.

میزان استفاده از تلویزیون و توانمندی زنان روستایی: ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد ($r=-0/229, p<0/01$). این نتیجه نشان می‌دهد که استفاده بیشتر از تلویزیون با توانمندی کمتر زنان روستایی همراه است.

مدت‌زمان عضویت در صندوق و توانمندی زنان روستایی: ارتباط مثبت و معنی‌داری مشاهده شد ($r=0/204, p<0/05$). این یافته نشان می‌دهد که عضویت طولانی‌تر در صندوق با توانمندی بیشتر زنان روستایی همراه است.

مبلغ وام دریافتی از صندوق و توانمندی زنان روستایی: ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/277, p<0/01$). این نتیجه نشان می‌دهد که دریافت وام بیشتر با توانمندی بالاتر زنان روستایی همراه است.

جدول ۲. تحلیل روابط بین متغیرها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	p-value
میزان استفاده از رادیو	توانمندی	۰/۱۴۶	***۰/۰۰۵
میزان استفاده از تلویزیون	توانمندی	۰/۲۲۹	**۰/۰۰۰
مدت‌زمان عضویت در صندوق	توانمندی	۰/۲۰۴	*۰/۰۱۲
مبلغ وام دریافتی از صندوق	توانمندی	۰/۲۷۷	***۰/۰۰۱

* $p<0/05$, ** $p<0/01$, *** $p<0/001$

در بررسی تفاوت‌های توانمندی در ۵ ویژگی فردی، تنها در یک مورد تفاوت معنی‌دار مشاهده شد:

مقایسه توانمندی زنان روستایی با وضعیت مختلف پس‌انداز: نتایج نشان داد که بین توانمندی زنانی که دارای پس‌انداز شخصی هستند و سایر زنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($t=6/381, p<0/001$). زنان دارای پس‌انداز شخصی به‌طور معنی‌داری توانمندی بالاتری نسبت به سایر زنان داشتند.

۱۴۶/

فرضیه اول: زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد توانمندی اقتصادی بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند. نتیجه: تأیید شد ($t=4/435, p<0/001$).

فرضیه دوم: زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد توانمندی اجتماعی بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند. نتیجه: رد شد ($t=1/093, p<0/275$).

فرضیه سوم: زنان کارآفرین روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد توانمندی روان‌شناختی بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند. نتیجه: تأیید شد ($t=2/170$, $p<0/05$).

جدول ۳. خلاصه نتایج آزمون فرضیات

فرضیه	متغیر وابسته	t-value	p-value	نتیجه
۱	توانمندی اقتصادی	۴/۴۳۵	۰/۰۰۰	تأیید
۲	توانمندی اجتماعی	۱/۰۹۳	۰/۲۷۵	رد
۳	توانمندی روان‌شناختی	۲/۱۷۰	۰/۰۳۱	تأیید

این یافته‌ها نشان می‌دهند که عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد تأثیر مثبتی بر توانمندی اقتصادی و روان‌شناختی زنان کارآفرین روستایی دارد، اما تأثیر معنی‌داری بر توانمندی اجتماعی آن‌ها نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی اقتصادی و روان‌شناختی زنان کارآفرین روستایی دارد، اما در بُعد اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نشد. این نتایج با بخش زیادی از مطالعات پیشین همخوانی دارد و نشان می‌دهد که صندوق‌های اعتبارات خرد می‌توانند بستری مؤثر برای ارتقای رفاه مالی و بهبود وضعیت روان‌شناختی زنان باشند، هرچند اثرات آن‌ها در توانمندسازی اجتماعی به اندازه کافی بارز نبوده است. یافته‌ها به‌ویژه نشان دادند که میزان وام دریافتی، مدت عضویت و وجود پس‌انداز شخصی به‌طور مستقیم با سطح توانمندی اقتصادی و روان‌شناختی زنان مرتبط است. چنین شواهدی اهمیت ترکیب منابع مالی با آموزش و حمایت‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد تا توانمندسازی زنان در تمامی ابعاد تحقق یابد.

مطالعات مختلف داخلی و خارجی همواره بر نقش کلیدی اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان تأکید کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، نتایج پژوهش (Faghiry et al., 2017) و (Faqiri et al., 2016) در ایران نشان دادند که زنان عضو صندوق‌ها در مقایسه با زنان غیرعضو از نظر شاخص‌های اقتصادی و خانوادگی سطح بالاتری از توانمندی را تجربه می‌کنند. همچنین (Babaei Amin et al., 2019) و (Babaei Amin et al., 2020) تأکید کردند که صندوق‌های اعتبارات خرد در استان لرستان زمینه‌ساز بهبود وضعیت اقتصادی زنان و ایجاد اشتغال پایدار بوده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر در بخش اقتصادی با این مطالعات همسو است، زیرا نشان داد که زنان عضو صندوق‌ها به دلیل دسترسی به وام، فرصت بیشتری برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی دارند. از منظر بین‌المللی، نتایج مشابهی در چین نیز گزارش شده است؛ جایی که دسترسی به اعتبارات خرد نقش بسزایی در افزایش رفاه خانوار روستایی و کاهش فقر ایفا کرده است (Ding et al., 2024; Lin et al., 2019). همین‌طور در مالزی، اعتبارات خرد منجر به ارتقای قدرت تصمیم‌گیری زنان در امور اقتصادی خانواده شده است (Al-Shami et al., 2017). هم‌راستایی این نتایج با پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تأثیرات اقتصادی اعتبارات خرد در بسترهای فرهنگی مختلف نیز پایدار و قابل‌مشاهده است.

یکی دیگر از ابعاد مهم یافته‌ها، ارتباط مثبت میان پس‌انداز شخصی و سطح توانمندی زنان بود. این موضوع پیش‌تر نیز مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته است. برای مثال (Farzizadeh, 2014) نشان داد که ایجاد فرهنگ پس‌انداز در میان زنان روستایی می‌تواند به افزایش استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی مالی آنان منجر شود. به همین ترتیب، (Nourai & Saadi, 2013) نیز تأکید داشت که صندوق‌های اعتبارات

خرد زمانی اثربخش تر خواهند بود که با سازوکارهای تشویق به پس انداز همراه باشند. یافته‌های این پژوهش با این دیدگاه‌ها همسو است و نشان می‌دهد که صندوق‌ها باید علاوه بر اعطای وام، زنان را به تشکیل سرمایه شخصی نیز ترغیب کنند.

در حوزه توانمندسازی روان‌شناختی، یافته‌ها نشان دادند که زنان عضو صندوق‌ها سطح بالاتری از اعتماد به نفس و احساس استقلال را تجربه کرده‌اند. این یافته با پژوهش (Namjuyan Shirazi et al., 2014) همخوانی دارد که نشان داد مشارکت در صندوق‌های حمایتی کشاورزی موجب ارتقای اعتماد به نفس و تقویت نقش اجتماعی زنان روستایی شده است. همچنین (Mozaffari & Mozafari & Ziaei, 2016; Ziaei, 2017) در مطالعات خود دریافتند که صندوق‌های اعتبارات خرد با افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، بر تقویت توانمندی مدیریتی و روان‌شناختی آنان اثرگذار هستند. از منظر بین‌المللی نیز (Kumar et al., 2013) در پژوهش خود بر روی بانک گرامین در بنگلادش گزارش کرد که پس از دریافت وام، زنان نه تنها از نظر اقتصادی مستقل‌تر شدند، بلکه در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی مشارکت بیشتری یافتند. نتایج حاضر نیز مؤید همین الگوست و نشان می‌دهد که مشارکت در صندوق‌ها می‌تواند زمینه‌ساز رشد روان‌شناختی زنان باشد.

با این حال، یافته‌ها نشان دادند که صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اجتماعی زنان تأثیر معناداری نداشته‌اند. این نتیجه را می‌توان از چند منظر تبیین کرد. نخست، ساختار فرهنگی و هنجارهای اجتماعی حاکم در جوامع روستایی ممکن است مانع از مشارکت گسترده‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی شده باشد (Nozaii & Saadi, 2014). دوم، تمرکز اصلی صندوق‌ها بر ابعاد اقتصادی بوده و برنامه‌های آموزشی و حمایتی لازم در حوزه مشارکت اجتماعی کمتر ارائه شده است (Namjuyan Shirazi et al., 2014). سوم، برخی مطالعات تأکید کرده‌اند که تغییرات اجتماعی فرایندی زمان‌بر است و ممکن است در بازه زمانی کوتاه نتوان آثار آن را مشاهده کرد (Zeer et al., 2023). این یافته تا حدی با نتایج قبلی که مشارکت اجتماعی را از پیامدهای بلندمدت اعتبارات خرد معرفی کرده بودند، در تضاد قرار دارد، اما با برخی مطالعات داخلی که ناکامی نسبی در توانمندسازی اجتماعی را گزارش کرده‌اند همسو است (Mozafari & Ziaei, 2016).

در کنار یافته‌های اقتصادی و روان‌شناختی، اهمیت عوامل سازمانی و مدیریتی نیز باید در نظر گرفته شود. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که توانمندسازی، چه در بستر سازمانی و چه در بستر روستایی، نیازمند وجود ساختارهای حمایتی و مدیریتی کارآمد است. برای نمونه (Mahdizadeh Rostam et al., 2024) در بررسی بانک ملی نشان داد که ساختار سازمانی و مدیریت دانش نقش پیش‌بینی‌کننده در توانمندسازی کارکنان دارند. به‌طور مشابه (Tariqi & Haghighi, 2023) تأکید کرد که مدیریت کارآمد و یادگیری هدفمند می‌تواند به ارتقای توانمندسازی منجر شود. این یافته‌ها را می‌توان به بستر صندوق‌های اعتبارات خرد نیز تعمیم داد؛ بدین معنا که کارایی این صندوق‌ها زمانی افزایش می‌یابد که با نظام مدیریتی کارآمد و آموزش‌های مستمر همراه باشند.

از منظر ادبیات مدیریت نوین، توانمندسازی مفهومی گسترده‌تر از دسترسی به منابع مالی است و شامل ابعاد روانی، انگیزشی و سازمانی نیز می‌شود. به‌عنوان مثال، (Ghaffarian et al., 2024) نشان داد که توانمندسازی نقش کلیدی در ارتقای تعهد کارکنان دارد، در حالی که (Berraies et al., 2024) آن را عامل مؤثری در نوآوری دوگانه معرفی کرد. پژوهش‌های دیگری نیز رابطه مثبت میان توانمندسازی و رضایت شغلی (Shah, 2024)، درگیری شغلی (Sinan et al., 2024) و انعطاف‌پذیری منابع انسانی (Tretiakov et al., 2023) را گزارش کرده‌اند. هرچند زمینه این مطالعات بیشتر سازمانی است، اما همگی نشان می‌دهند که توانمندسازی پدیده‌ای چندوجهی است و تنها

با تأمین مالی حاصل نمی‌شود. همین نکته می‌تواند تبیین‌کننده این واقعیت باشد که صندوق‌های اعتبارات خرد در ایران در ابعاد اقتصادی و روانی موفق‌تر از بعد اجتماعی بوده‌اند.

نکته دیگر این است که تحولات نوین به‌ویژه در حوزه فناوری‌های دیجیتال می‌تواند مکملی برای اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد باشد. پژوهش (Abdul et al., 2024) نشان داد که توانمندسازی دیجیتال واسطه‌ای در ارتقای عملکرد شغلی کارکنان است. همچنین (Shedid*, 2024) و (Yatiningrum, 2024) تأکید کرده‌اند که تحول دیجیتال می‌تواند به توانمندسازی کارکنان و افزایش بهره‌وری منجر شود. هرچند پژوهش حاضر مستقیماً به این موضوع نپرداخته است، اما می‌توان نتیجه گرفت که ادغام فناوری‌های نوین مانند بانکداری الکترونیک و آموزش‌های دیجیتال در فعالیت‌های صندوق‌های اعتبارات خرد، توانایی آن‌ها در ارتقای توانمندسازی زنان روستایی را افزایش خواهد داد. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر ضمن تأیید نقش مؤثر صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی و روان‌شناختی زنان کارآفرین روستایی، بر این واقعیت نیز صحنه می‌گذارد که تحقق توانمندسازی اجتماعی به سیاست‌های مکمل، تغییرات فرهنگی و آموزش‌های اجتماعی نیاز دارد. این یافته‌ها با بخش بزرگی از ادبیات موجود همسو هستند و درعین حال بر ضرورت طراحی رویکردهای چندبعدی برای بهبود اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد تأکید می‌کنند.

این پژوهش نیز همانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. نخست، جامعه آماری محدود به شهرستان بهار استان همدان بود و این امر تعمیم نتایج به سایر مناطق کشور را با احتیاط همراه می‌کند. دوم، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که اگرچه روایی و پایایی آن تأیید شد، اما محدودیت‌های روش‌های خودگزارشی مانند سوگیری پاسخ‌دهندگان را دارد. سوم، متغیرهای پژوهش تنها در سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی شد و سایر ابعاد مانند فرهنگی یا سیاسی مورد توجه قرار نگرفتند. چهارم، مقطع زمانی پژوهش مقطعی بود و بنابراین امکان بررسی اثرات بلندمدت صندوق‌های اعتبارات خرد فراهم نشد.

پژوهش‌های آتی می‌توانند با گسترش جامعه آماری به سایر استان‌ها و مقایسه میان‌منطقه‌ای، تصویر جامع‌تری از نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان ارائه دهند. همچنین مطالعات طولی می‌تواند اثرات بلندمدت این صندوق‌ها را بر ابعاد مختلف توانمندسازی روشن سازد. استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه عمیق یا مشاهده مشارکتی نیز می‌تواند ابعاد پنهان توانمندسازی به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی را آشکار کند. در نهایت، ترکیب پژوهش‌های کمی و کیفی (روش‌های آمیخته) می‌تواند تحلیل جامع‌تری از سازوکارهای اثرگذاری صندوق‌ها فراهم آورد.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران و مدیران صندوق‌های اعتبارات خرد کاربردی باشد. نخست، افزایش سقف وام‌ها و تنوع‌بخشی به خدمات مالی ضروری است. دوم، برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه مدیریت کسب‌وکار، مهارت‌های اجتماعی و توانمندسازی روانی می‌تواند اثربخشی صندوق‌ها را افزایش دهد. سوم، ایجاد سازوکارهایی برای تشویق پس‌انداز زنان و تشکیل گروه‌های حمایتی می‌تواند نقش مکمل در توانمندسازی ایفا کند. چهارم، توجه به بعد اجتماعی و طراحی برنامه‌هایی برای مشارکت فعال زنان در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی باید در دستور کار قرار گیرد. نهایتاً، استفاده از فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های دیجیتال برای ارائه خدمات مالی و آموزشی می‌تواند زمینه را برای توسعه پایدار و توانمندسازی چندبعدی زنان روستایی فراهم آورد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

Women's empowerment has emerged as one of the most significant priorities for both policymakers and scholars across the globe. In particular, rural women play a pivotal role in the socioeconomic development of their communities by participating in agricultural production, managing household activities, and contributing to informal economies. However, their contribution is often constrained by limited access to financial resources, insufficient training opportunities, and structural inequalities that prevent them from fully engaging in entrepreneurial activities (Kord & Abtin, 2013). Microcredit schemes have been recognized as one of the most effective mechanisms to address such challenges, offering small-scale financial assistance to rural women in order to stimulate entrepreneurship and enhance household welfare (Al-Shami et al., 2017).

Over the past decades, numerous studies have demonstrated the potential of microfinance programs to improve the economic and social status of women. For instance, research in Bangladesh revealed that women's access to microcredit through Grameen Bank increased their independence and participation in household decision-making (Kumar et al., 2013). Similarly, in Malaysia, microcredit programs were found to enhance women's empowerment and overall household welfare (Al-Shami et al., 2017). In China, microcredit has been proven to reduce poverty, increase income, and strengthen rural households' financial stability (Ding et al., 2024; Lin et al., 2019).

In Iran, studies also underscore the positive role of microcredit in empowering rural women. Investigations in Lorestan Province confirmed that microcredit funds significantly contributed to women's economic empowerment and creation of micro-businesses (Babaei Amin et al., 2020; Babaei Amin et al., 2019). Likewise, research in Kermanshah Province showed that women who participated in microcredit programs had higher levels of empowerment compared to non-participants (Faghiri et al., 2017; Faqiri et al., 2016). These findings suggest that microcredit schemes not only support women's entrepreneurial ventures but also improve self-confidence and reduce household vulnerability.

Nevertheless, empowerment is a multidimensional concept that extends beyond economic outcomes to include psychological and social dimensions. Evidence suggests that while microcredit contributes positively to women's economic status, its influence on social empowerment is often less pronounced. This could be explained by prevailing cultural and social norms that restrict women's participation in community affairs (Nozaii & Saadi, 2014). Moreover, some studies report that the long-term impact of microfinance on social participation requires time and complementary support programs (Namjuyan Shirazi et al., 2014). This indicates the need for a comprehensive approach that integrates financial, educational, and social initiatives.

The concept of empowerment has also been widely studied in organizational and managerial contexts, emphasizing its importance for performance, innovation, and employee satisfaction. For instance, empowerment has been identified as a driver of organizational commitment (Ghaffarian et al., 2024), ambidextrous innovation (Berraies et al., 2024), and job satisfaction (Shah, 2024). It also facilitates flexibility and adaptability in human resources (Tretiakov et al., 2023) and enhances employee engagement (Sinan et al., 2024; Zeer et al., 2023). These insights underscore that empowerment, whether in organizations or rural communities, is a multifaceted phenomenon requiring structural, psychological, and social support (Vibhuti et al., 2024; Yatinigrum, 2024). Additionally, recent studies emphasize the transformative role of digital empowerment and rapid technological advancements. For example, research highlights that digital empowerment mediates the relationship between digital transformation initiatives and employee performance (Abdul et al., 2024; Shedid*, 2024). While these findings are rooted in organizational contexts, they may have implications for rural entrepreneurship as well, since integrating digital tools and online platforms could significantly enhance the capacity of microcredit funds and rural women entrepreneurs. Against this background, the present study aimed to investigate the role of microcredit funds in empowering rural women entrepreneurs in Bahar County, Hamadan Province. By focusing on three dimensions—economic, social, and psychological empowerment—the study sought to determine the extent to which microcredit participation contributes to women's overall empowerment and to identify the factors that strengthen or limit its effectiveness.

Methods and Materials

This study employed a survey–analytical design. The statistical population consisted of 360 women who were members of 12 rural microcredit funds in Bahar County. The sample size was determined to be 400 using Cochran's formula, including 200 fund members and 200 non-members. Data were collected through a structured questionnaire, the validity of which was confirmed by experts. Reliability was measured using Cronbach's alpha, with values of 0.79, 0.73, and 0.64 for economic, social, and psychological empowerment, respectively. Statistical analyses included T-tests, ANOVA, and Pearson correlation coefficients.

Findings

The results revealed that women who were members of microcredit funds had significantly higher levels of economic empowerment ($t = 4.435$, $p < .001$) and psychological empowerment ($t = 2.170$, $p < .05$) compared to non-members. However, no significant difference was observed in social empowerment ($t = 1.093$, $p = .275$).

Furthermore, a positive correlation was found between the duration of membership in the funds and empowerment levels ($r = .204$, $p < .05$), as well as between the amount of loans received and empowerment ($r = .277$, $p < .01$). Women with personal savings also exhibited significantly higher levels of empowerment compared to those without savings ($t = 6.381$, $p < .001$). These results confirm that financial involvement, membership length, and savings habits are critical determinants of empowerment outcomes.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that microcredit funds play a crucial role in enhancing the economic and psychological empowerment of rural women entrepreneurs. Women with access to credit were able to invest in small businesses, increase their household income, and improve their financial independence. In turn, these achievements fostered greater self-confidence and a stronger sense of independence, which are essential components of psychological empowerment.

Nevertheless, the lack of significant impact on social empowerment suggests that financial initiatives alone may not be sufficient to address broader cultural and social barriers. Social empowerment often requires more comprehensive strategies, including community-based programs, citizenship education, and initiatives to encourage women's participation in collective decision-making. The limited effects observed in this dimension highlight the importance of integrating financial services with social and educational interventions to achieve holistic empowerment.

The correlations between empowerment and factors such as loan size, membership duration, and savings habits suggest that empowerment is not only about access to credit but also about sustained engagement with financial resources and the cultivation of responsible financial behaviors. These results underscore the importance of designing microcredit programs that encourage long-term participation, promote savings culture, and tailor loan amounts to the actual needs of rural women entrepreneurs.

In conclusion, microcredit funds have proven effective in enhancing rural women's economic and psychological empowerment but remain limited in advancing social empowerment. Policymakers and practitioners should therefore adopt a multidimensional approach that combines financial support with training, social participation initiatives, and cultural awareness programs. Such integrated strategies would maximize the potential of microcredit schemes and contribute meaningfully to sustainable rural development.

References

- Abdul, B., Jing, Z., Wang, L., & Rabeeu, A. (2024). Assessing the Impact of Employee-Centric Digital Transformation Initiatives on Job Performance: The Mediating Role of Digital Empowerment. *Strategic Management*, 29(2), 5-18. <https://doi.org/10.5937/straman2300057r>
- Al-Shami, S. S. A., Majid, I., Mohamad, M. R., & Rashid, N. (2017). Household welfare and women empowerment through microcredit financing: Evidence from Malaysia microcredit. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 27(8), 894-910. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/10911359.2017.1345341>
- Babaei Amin, M., Baradaran, M., & Foroozani, M. (2020). Evaluation of microcredit funds for rural women in Lorestan Province. *Village and Development Quarterly*, 23(2), 135-156.
- Babaei Amin, M., Baradaran, M., & Forozani, M. (2019). Evaluation of rural women's microcredit fund in Lorestan Province. *Village and Development Quarterly*, 23(2), 135-156.
- Berraies, S., Bchini, B., & Houaneb, A. P. (2024). Employees' empowerment and ambidextrous innovation: knowledge sharing as mediator and organisational trust as moderator. *European Journal of International Management*, 23(4), 648-676. <https://doi.org/10.1504/EJIM.2024.139615>
- Ding, Z., Fan, X., & Zhang, J. (2024). Self-Employed Versus Paid-Employed: What are the Different Preferences for Microfinance? Experimental Evidence From Rural China. *Sage Open*, 14(2). <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/21582440241239807>
- Faghiri, M., Zerafshani, K., & Ali Bigi, A. H. (2017). Examining the impact of microcredit funds on the empowerment of rural women in Kermanshah Province. *Village and Development*, 17(3), 1-22.
- Faqiri, M., Zerafshani, K., & Ali Beigi, A. H. (2016). Investigating the effect of microcredit funds on the empowerment of rural women in Kermanshah province. *Village and Development*, 17(3), 1-22. <https://doi.org/10.30490/rvt.2018.59402>
- Farzizadeh, Z. (2014). Examining the effects of microcredit funds on the growth of rural women's capabilities. National Conference on Women and Sustainable Rural Development,
- Ghaffarian, S., Memarzadeh Tehrani, G., Mohammadi, N., & Farahmandian, A. (2024). Presenting a Model for Developing Employee Commitment in Iranian Government Organizations. *International Journal of Innovation Management and Organizational Behavior (IJIMOB)*, 4(3), 55-67. <https://doi.org/10.61838/kman.ijimob.4.3.7>
- Ghasemi, M., & Yar Ahmadi, M. (2020). Examining the role of the Hope Entrepreneurship Fund in the development of micro-businesses in rural areas (Case study: Villages of Kashmar County). *Economic Sociology and Development*, 9(1), 219-242.
- Kord, B., & Abtin, A. (2013). Examining the factors affecting the development of rural entrepreneurship in Sistan and Baluchestan Province (Focusing on the development of rural growth centers, information and communication technology development, and rural women's empowerment). *Journal of Geography and Development*, 11(32), 1-14.

- Kumar, D., Hossain, A., & Gope, M. C. (2013). Role of micro credit program in empowering rural women in Bangladesh: A study on Grameen Bank Bangladesh Limited. *Asian Business Review*, 3(4), 114-120. <https://doi.org/https://doi.org/10.18034/abr.v3i4.287>
- Lin, L., Wang, W., Gan, C., & Nguyen, Q. T. (2019). Credit constraints on farm household welfare in rural China: Evidence from Fujian Province. *Sustainability*, 11(11), 3221. <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/su11113221>
- Mahdizadeh Rostam, M., Kowsaryan, S., Montazergahim, S., Panahi, H., Panahi, M., & Akbarpour Fard, M. (2024). Identifying and predicting empowerment factors based on organizational structure and knowledge management among employees of Bank Melli in Fars Province. First National Congress on Sustainable Development and Social Responsibility: Challenges and Solutions, <https://civilica.com/doc/2170200/>
- Mozafari, M. M., & Ziaei, M. S. (2016). Investigating the effects of the microfinance credit fund on the managerial empowerment of rural women case study: Alamut region. *Investment Knowledge*, 6(24), 231-250.
- Mozaffari, M. M., & Ziaei, M. S. (2017). Examining the effects of microcredit funds on the level of managerial empowerment of rural women (Case study: Alamut region). *Investment Knowledge*, 6(24), 231-250.
- Namjuyan Shirazi, Z., Abbasi, S., & Dehghanpour, M. (2014). Empowering rural women through the formation of funds to support the development of agricultural activities. National Conference on Women and Sustainable Rural Development,
- Nourai, M., & Saadi, H. E. (2013). Microcredit funds and empowerment of rural women. National Conference on Women and Sustainable Rural Development,
- Nozaii, M., & Saadi, H. (2014). Microcredit funds and the empowerment of rural women. National Conference on Women and Sustainable Rural Development,
- Shah, S. (2024). Effect of Psychological Empowerment on Employee Job Satisfaction of Nepalese Commercial Banks. *Nep. J. Finance*, 11(2), 224-241. <https://doi.org/10.3126/njf.v11i2.68826>
- Shedid*, M. (2024). The Impact of Rapid Digital Transformation on Employee Empowerment: Evidence From the UAE Banking Sector. *International Journal of Business and Applied Social Science*, 18-28. <https://doi.org/10.33642/ijbass.v10n1p2>
- Sinan, G., Ahmet, T., & Özlem, D. (2024). A Study on the Effect of Employee Empowerment on Work Engagement. *Mehmet Akif Ersoy Üniversitesi İktisadi Ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*. <https://doi.org/10.30798/makuiibf.1395017>
- Tariqi, E., & Haghighi, M. (2023). Examining the Role of Efficient Management on Employee Empowerment With an Emphasis on Purposeful Learning and Utilizing Educational and Human-Building Lessons. Second National Conference on Family and School Studies, Bandar Abbas.
- Tretiakov, A., Jurado, T., & Bensemman, J. (2023). Employee Empowerment and HR Flexibility in Information Technology SMEs. *Journal of Computer Information Systems*, 63(6), 1394-1407. <https://doi.org/10.1080/08874417.2022.2158962>
- Vibhuti, T., Soumya, Sanskriti, S., & Rohan, V. (2024). A study on employee empowerment in it sector. [https://doi.org/10.62823/7.1\(ii\).6520](https://doi.org/10.62823/7.1(ii).6520)
- Yatiningrum, A. (2024). Influence of work discipline and training on the performance of social service employees, women's empowerment and child protection in Probolinggo. *Digital Business: Tren Bisnis Masa Depan*, 15(1), 87-91. <https://ejournal.cria.or.id/index.php/db/article/view/150>
- Zeer, I. A., Ajouz, M., & Salahat, M. A. (2023). Conceptual Model of Predicting Employee Performance Through the Mediating Role of Employee Engagement and Empowerment. *International Journal of Educational Management*. <https://doi.org/10.1108/ijem-03-2023-0095>